

## تأثیرپذیری امام خمینی<sup>ع</sup> از الگوی نظارتی امام علی<sup>ع</sup> بر کارگزاران

sr.tabatabae@ostanyazd.ir

almirjalili@yazd.ac.ir

ک سید روح الله طباطبایی ندوشن / کارشناس ارشد علوم و قرآن حدیث دانشگاه یزد

علی محمد میرجلیلی / دانشیار دانشگاه آیه الله حائری میبد

دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸

### چکیده

نظارت عاملی کارآمد برای تطبیق فعالیت‌های یک مجموعه با اهداف و آرمان‌های آن، ساختارمندی رفتار اعضا، و ضمانتی برای مدیریت صحیح آن مجموعه محسوب می‌شود. حکومت‌ها نیز به عنوان اداره‌کننده جوامع، نیازمند نظارت بر عملکرد افراد زیرمجموعه خود هستند. نظام حکومتی امام علی<sup>ع</sup> به واسطه برخورداری از مبانی محکم اعتقادی - دینی و قرار داشتن امام در رأس هرم مدیریتی آن، توجه ویژه و مضاعفی به مقوله نظارت بر کارگزاران داشته است. نوشتار حاضر به روش «توصیفی - تحلیلی» و فیش‌برداری کتابخانه‌ای، ابعاد نظارت در دستگاه حکومتی امام علی<sup>ع</sup> را بررسی می‌کند و سپس الگوگیری‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی از الگوی نظارتی امام علی<sup>ع</sup> را به بحث می‌گذارد. در این پژوهش، روش‌ها و اجزای الگوی نظارتی امام علی<sup>ع</sup> بر کارگزاران از جمله نظارت مستقیم، و توجه به گزارش‌های مردمی احصا شده است و ضمن استخراج الگوی نظارتی امیرمؤمنان، تأثیرپذیری امام خمینی<sup>ع</sup> از این الگو به اثبات می‌رسد. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد حضرت امیر<sup>ع</sup> به روش‌های گوناگون و در عین حال، نظام‌مند در قالب یک الگو، بر عملکرد کارگزاران نظارت داشتند. بنیانگذار انقلاب اسلامی نیز با در نظر گرفتن بایسته‌های اجرایی این الگو، از اجزا و روش‌های ذیل آن، به میزان قابل توجهی تأثیر پذیرفته بود.

کلیدواژه‌ها: امام علی<sup>ع</sup>، امام خمینی<sup>ع</sup>، حکومت، نظارت، کارگزاران.

## مقدمه

نظارت از بدیهی‌ترین وظایف یا عناصر برای مدیریت هر سیستم (کازمایر، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۱) و به بیان دقیق‌تر، ابزاری کارآمد برای تطبیق فعالیت‌های یک مجموعه با اهداف و آرمان‌های آن است. از همین رو، امروزه برای اجرای بهتر و دقیق‌تر هر طرح، ناظر یا ناظرانی را انتخاب می‌کنند تا اهداف در نظر گرفته شده، به شکلی مطلوب و در زمانی مناسب محقق شود.

حکومت‌ها نیز به عنوان اداره‌کننده جوامع انسانی، با نظارت بر عملکرد افراد در حوزه‌های گوناگون، به دنبال رسیدن به چشم‌انداز مطلوب خود هستند. یکی از حوزه‌های نظارتی حکومت‌ها حوزه «رفتار عوامل حکومتی» است. دولت‌ها و حکومت‌های خواهان تکامل و تعالی، برای تحقق دسته‌ای از اهداف خود، از جمله حفظ و ارتقای سطح رضایتمندی مردم در جهت تثبیت پایه‌های قدرت، حفظ سلامت بدنه دولت و مقابله با فساد اداری و رعایت قوانین، ناگزیر به نظارت بر رفتار و عملکرد کارکنان خود هستند.

در این میان، نظام مقدس علوی به واسطه برخورداری از مبانی محکم اعتقادی - دینی و قرار داشتن امام معصوم در رأس هرم مدیریتی آن، توجه ویژه و مضاعفی به مقوله «نظارت بر کارگزاران» دارد. امام خمینی علیه السلام، بنیانگذار انقلاب اسلامی در جهان امروز، نیز به موضوع «نظارت» توجه جدی داشت و در این امر، از امام علی علیه السلام تأثیر پذیرفته بود. این نوشتار، درباره الگوی نظارتی امام علی علیه السلام و تأثیرپذیری امام خمینی علیه السلام، از آن امام معصوم در امر نظارت بحث می‌کند. سؤال‌های اصلی این نوشتار عبارت است از: اجزای الگوی نظارتی امام علی علیه السلام بر کارگزاران چیست؟ آیا الگوی نظارتی امام علی علیه السلام بر نگرش امام خمینی علیه السلام، به موضوع نظارت بر کارگزاران تأثیر گذاشته است؟ نظارت امام علی علیه السلام بر کارگزاران مبتنی بر چه روش‌هایی بود؟

لازم به ذکر است که در زمینه «نظارت امام علی علیه السلام بر کارگزاران» و «تأثیرپذیری امام خمینی علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام» کتاب و نیز مقالاتی نگاشته شده است، اما با وجود بررسی‌های انجام شده، نگارندگان کتاب یا مقاله‌ای که مستقلاً «تأثیرپذیری امام خمینی علیه السلام از الگوی نظارتی امام علی علیه السلام بر کارگزاران» را بررسی کرده باشد، نیافتند.

نظارت بر کارگزاران در اندیشه امام علی علیه السلام

«نظارت» یکی از انواع کنش‌های امیرمؤمنان علیه السلام در قبال عوامل حکومتی بود که در جریان آن، رفتار کارگزاران از سوی آن حضرت، کنترل و ارزیابی می‌شد. اما آن حضرت در گام نخست، لازم بود برای

حکومت نوپای خود مدیرانی صالح انتخاب می‌کنند. این مطلب علاوه بر قرار داشتن در برنامه‌های آن حضرت، خواست معترضان هم بود و در واقع، توجه مردم به امام، برای حذف عوامل فاسدی بود که سال‌ها بر مردم ظلم روا می‌داشتند. از این رو، حضرت علی پس از قبول حکومت، با علم به فساد موجود در دولت‌های قبلی، به‌ویژه دولت عثمان، پیش از هر چیز، نسبت به پاک‌سازی بدنه دولت اقدام کردند، به‌گونه‌ای که بسیاری از کارگزاران دولت قبلی را برکنار کردند (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۷). اولین نامه‌ای که امام در این زمینه در روزهای نخست حکومت مرقوم داشتند، برای امیران لشکر فرستاده شد: «تباه شدن پیشینیان شما به این علت بود که مردم را از حق بازداشتند و مردم هم آن را پذیرفته، زیر بار رفتند. و آنها را به باطل (ضلالت و گمراهی) واداشتند و ایشان هم از آن پیروی کردند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۶۱۱). سپس امام برای هر ایالت، والی و حکمرانی تعیین نموده، با وجود دقت نظر در انتخاب افراد، به موضوع «نظارت» به عنوان اولین عامل مهم در پیش‌گیری از وقوع جرم توسط آنان، توجه ویژه‌ای به خرج دادند.

### انواع نظارت در دستگاه حکومتی امام علی

امر مهم «نظارت» در حکومت امام علی، در یک تقسیم‌بندی کلی، به دو نوع «نظارت قبل از مسئولیت‌سپاری» و «نظارت در حین انجام مسئولیت» تقسیم می‌شود:

#### نظارت قبل از مسئولیت‌سپاری

از دید امام علی، نظارت بر کارگزاران تنها به زمان مسئولیت‌سپاری به آنان محدود نمی‌شود، بلکه نظارت قبل از سپردن مسئولیت‌ها و گزینش دقیق افراد، حلقه تکمیل‌کننده فرایند نظارت بر کارگزاران در زمان انجام مسئولیت است. از این رو، در حکومت علوی، قبل از سپردن هرگونه مسئولیتی به افراد، اقدامات گزینشی صورت می‌گرفت. حتی امام علی برای گماردن فردی در مسئولیت نگرهبانی و چوپانی گوسفندان جمع‌آوری شده به عنوان زکات، به دقت در انتخاب او، توصیه کرده، فرمودند: «و آنها را به کسی که به او اطمینان نداری یا نسبت به بیت‌المال مسلمانان دلسوز نیست، مسپار» (همان، ۱۳۸۳، ص ۳۶۰).

بنابراین، به طریق اولی، برای سپردن مسئولیت‌های مهم به افراد، امام علی حساسیت‌های مضاعفی به خرج می‌دادند. در ذیل، به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

**الف) انتخاب فرماندهان سپاه:** امام علی علیه السلام در مورد انتخاب فرماندهان لشکر و ارتش به مالک اشتر فرمودند: «برای فرمان‌دهی سپاه، کسی را بگمار که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و امام تو بیشتر، و دامن او پاک‌تر، و شکیبایی‌اش برتر باشد. از کسانی باشد که دیر به خشم آیند، و عذرپذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان با قدرت برخورد کند. درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در خصوص نظامیان، با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب‌شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان، که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلندنظرند، روابط نزدیک برقرار کن. آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده، و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند و رسیدگی به امور کوچک آنان را به خاطر رسیدگی به کارهای بزرگشان وامگذار» (نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۴۰۸).

این بخش از نامه به وضوح، گویای اهمیت توجه به تعهد و تخصص افراد در واگذاری مسئولیت به آنهاست. در حقیقت، تعهد و تخصص، بال‌های پرواز کارگزاران به‌شمار می‌آید که آنان را تا اوج خدمت به بندگان خداوند می‌رساند و شکی نیست که در صورت وجود نقصان در این زمینه، مقصود حاصل نمی‌شود.

**ب. انتخاب قاضی:** امام علی علیه السلام درباره انتخاب قاضی، شرایطی را مقرر می‌دارند که نوعی نظارت بر عملکرد وی قبل از سپردن مسئولیت به اوست (نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۴۱۰) «از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیآورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، بر اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی، برایش دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه‌کن کند، و در شناخت مطالب، با تحقیقی اندک رضایت ندهد، و در شبهات از همه با احتیاط‌تر عمل کند، و در یافتن دلیل، اصرارش بیش از همه باشد، و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود. در کشف امور از همه شکیباتر، و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشد؛ کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد، و چرب‌زبانی او را منحرف نسازد. و چنین کسانی بسیار اندکند. در دستوراتی که (در خصوص نحوه انتخاب قاضی) دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود؛ با نام دین، هواپرستی می‌کردند و دنیای خود را به دست می‌آوردند» (همان، ص ۴۱۰).

**ج. شرایط انتخاب کارگزاران حکومت:** در جای دیگری از این نامه، امام علیه السلام در خصوص انتخاب کارگزاران حکومت می‌فرمایند: «در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با

میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع و روزی‌شان کمتر، و آینده‌نگری آنان بیشتر است» (همان).

امام علیه السلام معیار انتخاب را «اختبار» (آزمایش) قرار داده و مالک را از اینکه معیار رابطه‌ها به جای ضابطه حاکم گردد، به شدت بر حذر می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ج ۱۱، ص ۱۹). بنابراین، استخدام افراد باید ضابطه‌مند باشد تا زبده‌ترین و توانمندترین افراد به کار گماشته شوند.

از بیانات گذشته، روشن شد که در اندیشه علوی، داشتن اصالت خانوادگی (الیوتات الصالحه) به عنوان محیطی که افراد در آن رشد و نمو یافته‌اند، از جایگاه والایی برخوردار است. علاوه بر این، امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به مندربن جارود عبدی، ملاک انتخاب او به عنوان فرماندار را سابقه ارزشمند پدر وی عنوان کرده، می‌فرماید: «شایستگی پدرت مرا نسبت به تو خوشبین کرد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۴۳۶). هرچند منذر حسن اعتماد حضرت را پاس نداشت و بی‌لیاقتی خود را نشان داد، اما این جمله سندی متقن بر لزوم توجه به سوابق خانوادگی در فراگرد گزینش افراد است. همچنین عبارت امام در نامه به حاکم بحرین «فَخَفَّ اللَّهُ! إِنَّكَ مِنْ عَشِيرَةِ ذَاتِ صَالِحٍ، فَكُنْ عِنْدَ صَالِحِ الظَّنِّ بِكَ» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۱) مؤید دیگری بر این تأکید است که در انتصاب افراد، باید در ریشه خانوادگی آنان مذاقه و بررسی کرد.

حضرت همچنین نسبت به خطر انتخاب کارگزارانی که با زیرکی ظاهری، خیانت‌پیشه می‌کنند، هشدار می‌دهند: «مبادا در گزینش آنان، بر تیزهوشی و اطمینان شخصی و خوش‌باوری خود تکیه کنی؛ زیرا افراد زیرک با ظاهرسازی و خوش‌خدمتی، نظر زمام‌داران را به خود جلب می‌کنند که در پس این ظاهرسازی، نه خیرخواهی وجود دارد و نه امانتداری». (نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۴۱۲). این سخن، تأکیدی است بر این نکته که در گزینش کارگزاران، نباید به ظواهر اکتفا کرد، بلکه باید با نگاهی عمیق و دقیق، لایه‌های زیرین شخصیتی آنان را بررسی کرد و آنگاه مطابق توانمندی افراد، به آنان مسئولیتی سپرد.

در واقع، مطلوب حکومت علوی این است که مسئولیت‌ها به کسانی داده شود که در کنار توانمندی تخصصی، شرایط عمومی تصدی هر منصبی را دارا باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام، به کارگیری انسان‌های نالایق و دون در مناصب دولتی را مایه تباهی و زوال دولت‌ها می‌داند: «زَوَالُ الدُّوَلِ بِاصْطِنَاعِ السُّفَلِّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۳).

## شرایط عمومی انتخاب کارگزاران

امام کسانی را شایسته به دوش گرفتن ردای خدمت می‌دانند که واجد شرایط عمومی لازم باشند. این شرایط عبارتند از:

- **اصالت خانوادگی:** یکی از مهم‌ترین نکات در فرایند گزینش از منظر حضرت علی<sup>علیه السلام</sup>، موضوع اصالت خانوادگی است. دارا بودن دودمانی صالح و دارای سابقه درخشان در اسلام یکی از شاخصه‌های اصالت خانوادگی است که حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> بر آنها تأکید ورزیده‌اند.

- **با تجربه بودن:** دارا بودن تجربه و مهارت یکی دیگر از ملاک‌های عمومی انتخاب افراد برای فعالیت در مسئولیت‌هاست. از رهگذر این عنصر مهم، از وقوع بسیاری از خطاها جلوگیری می‌شود و کسی راه‌های رفته ناپایسته را برای بار دیگر نمی‌پیماید.

- **با حیا بودن:** حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> در کنار «با تجربه بودن»، ویژگی «حیا» را به عنوان ملاکی برای گزینش افراد مطرح کردند تا لزوم توجه به دو عنصر «تعهد» و «تخصص» را در موضوع گزینش متذکر گردند: «وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۶۱۰).

از منظر مولای متقیان<sup>علیه السلام</sup>، توجه به شرایط عمومی در کنار مهارت‌های تخصصی، زمینه را برای نظارت مطلوب بر کارگزاران فراهم می‌سازد. به بیان دقیق‌تر، دقت در مرحله گزینش افراد، گام نخستین در مسیر نظارت بر کارگزاران است که نظارت در حین انجام مسئولیت را هم تا حدی تسهیل می‌کند.

### نظارت در حین انجام مسئولیت

دومین نوع نظارت در حکومت امام علی<sup>علیه السلام</sup>، «نظارت مستمر در حین انجام مسئولیت» است که روش‌های گوناگونی را دربر می‌گیرد. یکی از این روش‌ها نظارت غیر محسوس است. بجاست توجه داشته باشیم که ۱۰ مرتبه از ۱۲ مرتبه کاربرد عبارت «بلغنی» در نهج البلاغه، مربوط به کارگزاران بوده و عبارات «بَلِّغْنِي أَنْكَ» (نامه ۳)، «بَلِّغْنِي عَنكَ» (نامه‌های ۴۱-۴۳-۶۳) و «فَإِنَّ عَيْنِي كَتَبَ إِلَيَّ» (نامه ۳۳) هر کدام یک مرتبه در خصوص کارگزاران کاربرد داشته است که جایگاه والای نظارت در نگاه مدیریتی حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> را نشان می‌دهد. موارد ذیل نشانگر نظارت امام<sup>علیه السلام</sup> بر کارگزاران در حین انجام مأموریت است:

**الف. نامه مولای متقیان به حاکم بحرین:** این نامه سندی متقن و جالب توجه از نظارت حضرت امیر<sup>علیه السلام</sup> بر احوالات کارگزاران است که دقت و هوشیاری کامل آن حضرت در کنترل رفتار آنان را نشان می‌دهد: «آن کس که امانت را خوار شمارد و در خیانت رغبت کند و خود و دین خود را منزه ندارد در دنیا به خود زیان رسانده، و آنچه پس از دنیا در پیش دارد تلخ‌تر و پایدارتر و بدبخت‌کننده‌تر و

طولانی تر است. پس از خدا بترس؛ زیرا تو از طایفه‌ای شایسته هستی. پس چنان باش که درباره‌ات گمان نیک می‌رود، و اگر آن خبری که درباره‌تو به من رسیده، راست باشد (توبه کن و) به شایستگی بازگرد و عقیده‌ مرا درباره‌ خود دگرگون مساز، و خراج خود را کاملاً وصول کن. سپس به من بنویس تا - اگر خدا بخواهد - فرمانم به تو ابلاغ شود» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۱).

ب. نظارت آن حضرت بر احوالات یکی از کارگزاران: امام در نامه‌ای ضمن انتقاد از این موضوع، مرقوم فرمودند: «خبر یافته‌ام که تو بخور می‌سوزانی و بسیار روغن می‌زنی و خوراک رنگارنگ فراوان می‌خوری و بر منبری همچون راست‌گویان درست‌کار سخن می‌گویی و چون فرود می‌آیی کارهای حلال شمارندگان را انجام می‌دهی. پس اگر واقع مطلب همین است خود را زیان رسانده‌ای و در معرض گوشمال من قرار داده‌ای. وای بر تو که بگویی: بزرگی و کبریا، روپوش من است و هر کس بخواهد آن دو را از من بر باید بر او خشم می‌گیرم! مانعی ندارد که روغن بزنی و خوشگذران باشی؛ زیرا آن توصیه پیامبر خداست. اما تو را چه بر آن داشته است که مردم بر تو گواهی دهند بجز آنچه می‌گویی، آن هم بالای منبر؟» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۲).

نمونه ذکر شده نمایانگر عمق نظارت امام علی بر احوال کارگزاران و پرهیز از اکتفا به لایه‌های سطحی نظارت است و اشراف اطلاعاتی ایشان را به اثبات می‌رساند.

ج. نامه‌های امام به حاکم فارس: اشراف اطلاعاتی امام حتی محتوای نامه‌های سرّی را نیز دربر می‌گرفت. شاهد این مدعا نامه‌ای است که طی آن، حضرت علی اطلاع‌یابی خود از نامه‌نگاری معاویه با زیادبن ابیه را یادآور شده‌اند: «اطلاع یافتم که معاویه برای نامه‌ای نوشته است تا عقلت را بلغزند و اراده‌ات را سست کند. از او بترس که شیطان است!» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۳۹۲). مولای متقیان با نگارش این نامه، موضوع نظارت نامحسوس را به کارگزار خود گوشزد و حجت را بر او تمام کردند تا مبدا دست از پا خطا کند و به اقدامی خلاف شرع و شئون کارگزاران، دست بزند.

نمونه بعدی از نظارت علوی را می‌توان در نامه دیگر حضرت به همین کارگزار مشاهده کرد. در این نامه آمده است: «فرستاده‌ام خبری شگفت به من داد؛ گفت: که تو میان خود و او گفته‌ای که کرده‌ها تو را برانگیخته‌اند تا بسیاری از خراج را بر خود شکسته‌ای و به او گفته‌ای که امیرمؤمنان را بدان خبر مده. ای زیاد، به خدا سوگند! همانا تو دروغ‌گویی و هر آینه اگر خراجت را نفرستی چنان بر تو فشار آورم که تو را تهی‌دست و سنگین‌بار سازد، جز آنکه آنچه را از خراج نقض کرده‌ای در عهده‌گیری» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۰).

د. نامه به یکی دیگر از کارگزاران: آنچه عمق این نظارت را مسلم می‌سازد، اشاره آن حضرت به جزئیات احوال و رفتار کارگزاران است که فرصت حاشا و طفره رفتن را از فرد سلب می‌کند. برای مثال، ایشان در خصوص تخلفات یکی از کارگزاران، به تک‌تک حالات وی اشاره فرموده، مرقوم داشتند: «عجبا! عجبا! چگونه هوای نفس برای تو خود را می‌آراید که تو از بیت‌المال کمتر از حق برداشته‌ای! آیا تو جز یک مرد مسلمانی؟ آیا تو با پیشینه اهل بدر آشنایی داری؟ آنان بیش از حق واجبشان را دریافت نمی‌کردند. همین قدر برای تو بس که مکه را وطن گزیده‌ای و با شکم سیر جا خوش کرده‌ای و از چیزهای تازه طائف و مکه و مدینه هر چه چشمت بیفتد و هوای نفست بکشد می‌خری، و در مقابل، مال دیگران را می‌دهی» (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

چنان‌که پیداست، تذکرات حضرت علی علیه السلام در این باب، تنها به یک نمونه محدود نمی‌شود و ایشان بر حسب نقش هدایتگری خود، بارها به نظارت توجه کرده‌اند تا به نوعی، سلامت اداری را در میان عوامل حکومت علوی تقویت کنند.

ه. نظارت بر عملکرد یزید بن حبیبه: ماجرای نظارت بر عملکرد یزید بن حبیبه، کسری خراج و دست‌گیری وی نمونه دیگری از این قبیل است که در تاریخ به آن اشاره شده است: «علی بن ابی‌طالب، یزید بن حبیبه بن عامر بن بنی تمیم الله بن ثعلبه را به امارت ری و دستی منصوب کرد. او از خراج [برای خود] برداشت. پس او را فراخواند و زندانی کرد» (بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۴۵۹).

و. نامه به یزید بن قیس ارحبی: امیرالمؤمنین علیه السلام با نظارت بر عملکردهای کارگزاران خود، با رویکرد پیش‌گیرانه، خطاب به یزید بن قیس ارحبی مرقوم داشتند: «در فرستادن خراجت دیر کردی و نمی‌دانم تو را چه بر آن داشته است، جز اینکه من تو را به پرهیزگاری خدا وصیت می‌کنم و از اینکه با خیانت کردن به مسلمانان اجر خود را ضایع کنی و جهاد خود را باطل سازی بیم می‌دهم. پس خدا را پرهیزگار باش و خود را از حرام دور بدار و برای من بر خود راهی قرار مده، تا ناچار نگردم تو را عقوبت کنم. مسلمانان را عزیز بدار و بر زمین ستم مکن و در آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی بهره خویش را از دنیا فراموش مکن، و چنان‌که خدا با تو نیکی کرده است، نیکی کن، و تبه‌کاری در زمین را مجوی. همانا خدا تبه‌کاران را دوست نمی‌دارد» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۱).

حضرت در این نامه، کارگزار خود را به رعایت تقوای الهی دعوت می‌کنند تا او را از لغزش‌های تبه‌کننده دور سازند. به‌راستی، کدام سرمایه بالاتر از تقوا؟ و کدام سپر محکم‌تر از پرهیزکاری؟ در مکتب سیاسی علوی، تقوا سرلوحه همه برنامه‌ها و رکن رکین اداره حکومت، قضاوت، جنگاوری، تنظیم دخل و



خرج دولت و تدوین برنامه اقتصادی است که باید مدنظر کارگزاران قرار بگیرد تا آنان را از تخلف باز دارد و مرتکبان تخلف را چراغی روشنگر باشد که راه‌های توبه و جبران را به ایشان بنمایاند.

ز. نامه امام به مصقله بن هییره شیبانی: مصقله بن هییره شیبانی کارگزار حکومت علوی در «اردشیر خُره» بود که از خیانت وی به بیت‌المال سخن رفته بود. امام در نامه‌ای به وی نوشتند: «خبر کاری از تو به من رسیده است که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را خشمگین ساخته‌ای و امام خویش را به غصب آورده‌ای: غنایم مسلمانان را، که با نیزه‌ها و اسب‌های مجاهدان به دست آمده و خون‌های ایشان بر سر آن ریخته است، میان نور چشمان از اعراب قوم خود تقسیم کرده‌ای... آگاه باش که حق مسلمانانی که نزد تو و ما به سر می‌برند، از این غنیمت یکسان است. آنان برای گرفتن حق خود نزد من می‌آیند و آن را می‌گیرند و باز می‌گردند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۳۹۲).

ح. نامه امام به قدامه بن عجلان: نمونه دیگر نامه امام به قدامه بن عجلان، عامل آن حضرت در منطقه «کسکر» است (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۱). در این نامه آمده است: «پس از حمد خداوند، آنچه از مال خداوند نزد توست، ارسال کن؛ زیرا آن برای مسلمانان، «فیء» است و سهم تو از آن، بیش‌تر از دیگری نیست. ای پسر ام قدامه، گمان مکن که مال کسکر همچون مالی است که از پدر و مادرت به ارث برده‌ای! پس در ارسال آن و تقدیم داشتن به ما عجله کن!» (بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۶۰).

این خاصیت نظارت اخلاق‌مدارانه حضرت علی بر کارگزاران است که در اقدامی پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه، با گماردن مخبران و ناظران مخفی، پس از تجزیه و تحلیل گزارش‌ها و اطمینان از صحت و سقم آنها، عوامل حکومتی را از ارتکاب جرایم برحذر می‌داشتند، تا در صورت بروز تخلف، حجت بر کارگزاران تمام شده باشد. البته این موضوع شامل همه عوامل حکومتی - فارغ از میزان قرابت و صمیمیت با آن حضرت و همچنین زهد یا جایگاه علمی آنان - می‌شد.

### توصیه امام علی به مسئولان اصلی حکومت

حضرت علی علاوه بر نظارت مستمر خود بر کارگزاران، آنان را نیز به نظارت بر امور نیروهای تحت امر خود توصیه می‌کردند. برای مثال، حضرت علی در نامه‌ای به مالک بن کعب، یکی از فرمان‌داران خود، دستور می‌دهد شخصی را به جای خویش بگذارند و خود با شماری از یارانش به سواد عراق بروند و درباره عملکرد کارگزاران حضرت بین دجله و عذیب تحقیق کند و آن حضرت را از نتیجه مطلع سازد. در بخشی از آن نامه آمده است: «در حوزه خدمت خود، کسی را جانشین بگذار و با گروهی از کسان خود بیرون رو تا به منطقه سواد عراق بگذری و در میان دجله و عذیب، از کارمندان و

کارگزاران من پرسش و جست‌وجو کن و در روش آنها بنگر. پس به بهقیادات (نام منطقه‌ای است) بازگرد و همراهی با آنها را بر عهده گیر و فرمان خدا را در آنچه از این سرزمین‌ها بر عهده تو نهاده است، به کار ببر و بدان که کار هر انسانی به حساب او گذاشته و بدان پاداش داده می‌شود» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۴).

حضرت همچنین در نامه به مالک اشتر بر به‌کارگیری نیروهای اطلاعاتی برای نظارت بر عملکرد کارگزاران تأکید و به ذکر اوصاف نیروهای اطلاعاتی هم اشاره کردند که باید راستگو و وفایسته باشند: «بر آنان جاسوسانی راستگو و وفایسته بگمار» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۴۱۰).

امام علی علیه السلام در ادامه پیامد مثبت این کار را یادآور شده، و فرمودند: «مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کارهای آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی آنان با رعیت می‌شود» (همان).

آن حضرت در باب نصب ناظران و گزارشگران مخفی مرقوم می‌دارند: «از گماردن بازرسانی مشهور به امانت‌داری و حق‌گویی غافل مشو، تا خدمات آنان (کارگزاران) را ثبت و گزارش کنند، و آنان نیز از اطلاع داشتن تو بر خدماتشان مطمئن گردند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۳).

در ادامه همین توصیه‌ها، باز تأکید می‌کنند: «از همکاران، سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنها دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت کن و او را با تازیانه کیفر ده، و اموالی را که در اختیار دارد از او باز پس گیر. سپس او را خوار دار و خیانت‌کار به‌شمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۴۱۰).

نکته‌ای که ذکر آن ضروری می‌نماید این است که استفاده از ناظران مخفی، سیره رسول خدا بوده است. از حضرت امام رضا علیه السلام در این خصوص روایت شده است: «پیامبر هنگامی که لشکری را به جایی گسیل می‌داشتند، امیری برایشان می‌گماشتند، و از کسان مورد اعتماد خود، شخصی را روانه می‌کردند تا از احوال آن امیر، جست‌وجو کند و به پیامبر اطلاع دهد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۰. عطاری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۷۶).

### استفاده امام علی علیه السلام از گزارش‌های مردمی

امام علی علیه السلام تنها از گزارش مأموران مخفی استفاده نمی‌کردند، بلکه آن حضرت گزارش‌های مردمی را هم در امر نظارت بر عملکرد مدیران و کارگزاران، ملاک قرار می‌دادند. این گزارش‌ها گاهی حضوری بود؛ مانند گزارش سوده همدانی که موجب برکناری یکی از کارگزاران شد. حضرت علی علیه السلام پس از این گزارش، در نامه‌ای به عامل خود نوشتند: «به‌نام خداوند بخشاینده بخشایشگر. از طرف خداوند برای

شما برهانی واضح آمده است، وزن و پیمانه را تمام و کامل بدهید و از اموال مردم چیزی کم و حقوق آنان را پایمال نکنید و در روی زمین، پس از آنکه قوانین آسمانی و دستورات الهی به نظم و اصلاح آن آمد فساد نکنید و ظلم را در جهان رواج ندهید. البته این کار برای سعادت و خوشبختی شما در دنیا و آخرت بهتر است، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. وقتی این نامه مرا خواندی آنچه را که از بیت‌المال در دست توست حفظ کن تا آن کس که اموال را از تو تحویل می‌گیرد، بر تو وارد شود»، ابن‌اعثم، ۱۹۹۱، ج ۳، ص ۶۱).

همچنین گاهی گزارش‌های مردمی از طریق دستگاه «بیت القمص» - که به نظر می‌رسد متناظر آن در جمهوری اسلامی «دفتر هیأت‌های رسیدگی به شکایات مردمی در استانداری‌ها باشد- دریافت می‌شد. «بیت القمص» در واقع، ستاد خبری حکومت علوی بود که مردم گزارش‌ها و شکایات خود را به صورت مکتوب به آن ارائه می‌کردند. ابن ابی‌الحدید در این باره آورده است: «امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> خانه‌ای داشتند که آن را «بیت القمص» نامیده بودند. مردم نامه خود را به آنجا می‌انداختند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۴۱، ج ۱۷، ص ۸۸).

از جمله گزارش‌های مردمی که به صورت غیرحضورى واصل شد، شرح خیانت ابن هرمه ناظر بازار اهواز، بود که پس از بررسی‌های لازم، حضرت علی<sup>ع</sup> در نامه‌ای به فرماندار اهواز، دستور برخورد قاطعانه با او را صادر کردند: «هنگامی که نامه مرا خواندی ابن هرمه را از نظارت بازار برکنار و به مردم معرفی کن، و به زندانش افکن، و رسوایش ساز، و به همه بخش‌های تابع اهواز بنویس که من این‌گونه عقوبتی (شدید) برای او معین کرده‌ام. مبادا در مجازات او غفلت یا کوتاهی کنی، که نزد خداوند خوار می‌شوی و من به زشت‌ترین صورت ممکن، تو را از کار برکنار می‌کنم - و خدا آن روز را نیاورد- و چون روز جمعه رسید او را از زندان درآور و ۳۵ تازیانه بزن و در بازارها بگردان. و هر کس گواهی آورد (که ابن هرمه از او چیزی ستانده است) او را با گواه خود قسم ده، و مبلغ مورد شهادت را از مال ابن هرمه بردار و به طلبکار بده. دوباره ابن هرمه را- خوار و سرافکننده و بی‌آبرو- به زندان بازگردان... و برای من بنویس که درباره بازار (و نظارت بر آن و پایان دادن به هرگونه خیانتی به مردم) چه کردی، و پس از این خائن، چه کسی را برای نظارت برگزیدی» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۶۱۶).

نکته قابل توجه اینکه برای امام تفاوتی نمی‌کرد که گزارش رسیده از شهروندان مسلمان است یا از غیرمسلمانان. بدین‌روی، آن حضرت همچنان که به گزارش رفتار نامناسب ابن عباس با گروهی از مسلمانان اهل بصره- بنی تمیم- ترتیب اثر دادند، به یکی از کارگزاران خود درباره بدرفتاری با کافران اهل

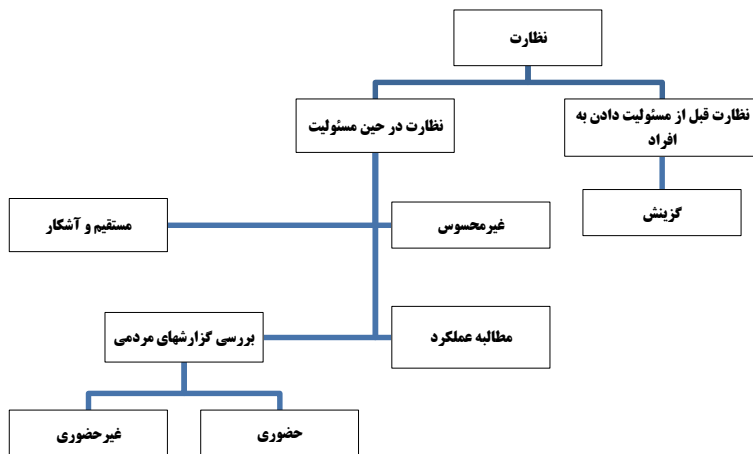
ذمه، نوشتند: «دهقانان و روستاییان اهل ولایت تو از دل‌سختی و درشتی و کوچک شمردن و ستم‌کاری تو (سخت به تنگ آمده) شکایت دارند. من در کارشان نظر کردم. چون مشرک (و مجوس) بودند آنان را سزاوار آن ندیدم که بسیار بر آنان مهربانی کنی. از این سوی، چون آنها با ما معاهده بسته‌اند (و در پناه ما قرار دارند) خوش نیست که یکباره رانده شوند و به آنها ستم شود. بنابراین، درباره آنان جامه‌ای که با درشتی و نرمی همراه باشد به پیکر خویش ببوش؛ گاهی با ایشان مهربان و گاهی نامهربان باش، و میان نزدیکی و دوری، و راندن و پیش آوردنشان پیوند ده» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳، ص ۳۵۴).

### نظرات‌های مستقیم امام علیؑ بر کارگزاران

به نمونه‌های یادشده باید نظرات‌های مستقیم و حضوری خود آن حضرت را نیز افزود و این موضع بیش از هر حوزه، در قلمرو فعالیت کارگزاران قضایی نمود داشته است. مؤید این مطلب، سخنی است که امیرمؤمنانؑ خود به شریح قاضی فرمودند: «بپرهیز از اینکه قضیه‌ای را در قصاص یا حدی از حدود خدا و یا حقی از حقوق مسلمانان اجرا کنی، پیش از آنکه آن را بر من عرضه داری» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۶).

از همین رهگذر است که حضرت علیؑ بر قضاوت ابوالاسود دوئلی نظارت و پس از مدتی او را عزل کردند و چون وی از حضرت، علت عزل خود را جویا شد. آن حضرت فرمودند: «دیدم بلندتر از طرف دعوی سخن می‌گویی» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۸۴۴).

امام همچنین خواستار ارائه صورت وضعیت حساب‌ها از سوی کارگزاران می‌شدند در این زمینه برای مثال، می‌توان به نامه ایشان به یکی از فرمان‌داران اشاره کرد که دستور دادند. «فَارْفَعِ إِلَيَّ حِسَابَكَ وَأَعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۸، ص ۳۸۸). سپس این گزارش‌ها را بررسی و راستی‌آزمایی می‌کردند؛ چنان‌که در تاریخ آمده است: پس از ارائه صورت وضعیت حساب توسط زیادبن ابیه و اثبات تخلف از سوی وی، حضرت در نامه‌ای به وی نوشتند: «ای زیاد! به خدا قسم، دروغ گفته‌ای. اگر مالیاتی را که از مردم گرفته‌ای کامل نزد ما نفرستی بر تو بسیار سخت خواهیم گرفت» (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۴). در واقع، این گزارش‌خواهی مولای متقیان، قسمی از نظرات است که تنها به امور مالی محدود نمی‌گردد، بلکه دیگران نیز باید گزارش کار خود را به محضر ایشان تقدیم می‌داشتند؛ چنان‌که در نامه امام به دو تن از فرماندهان نظامی آمده است: «باید هر روز خبری از شما و فرستاده‌ای از سویتان نزد ما باشد» (موسوی، ۱۳۷۶، ص ۹۴۶). بر اساس آنچه گفته شد، الگوی نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی را در قالب شکل ذیل ترسیم می‌کنیم:



شکل (۱): الگوی نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی

### تحلیلی از الگوی نظارت امام علی<sup>ع</sup> بر کارگزاران

در این الگو، فراگرد نظارت در دو بازه زمانی قبل و حین مسئولیت افراد تعریف شده است. در بازه قبل از مسئولیت سپاری، گرچه خرده فعالیت‌های زیادی در جهت گزینش افراد صورت می‌گیرد، اما سرفصل خاصی مشاهده نمی‌شود. در طرف مقابل، در بازه حین مسئولیت، فراگرد نظارت متشکل از چهار سرفصل اصلی نظارت‌های غیر محسوس، مستقیم و حضوری، مطالبه گزارش عملکرد و صورت وضعیت و بررسی گزارش‌های مردمی است که موضوع اخیر نیز به دو شکل حضوری و غیر حضوری پی‌گیری می‌شود. این الگو، منطقی‌ترین و جامع‌ترین الگوی نظارتی در نظام‌های مدیریتی جهان است که علاوه بر پیشبرد امور، رشددهندگی و تربیت کارگزاران را هدف خود قرار داده است و تمام اجزای تعریف نظارت در این الگو به چشم می‌خورد که عبارتند از: توجه به نتایج کار (بازخورد)، مقایسه فعالیت‌های انجام شده با برنامه‌ها و اعمال اصلاحات مقتضی. (هرسی و کنت، ۱۳۷۱، ص ۱۵) البته از شخصیت ممتاز و بی‌نظیر مولی‌الموحدين جز این انتظار نمی‌رود که نقش هدایتگری خود را در همه امور مدنظر قرار داده و همواره فضیلت و تعالی انسان‌ها را جست‌وجو کنند؛ زیرا اداره دولت و سیاست تمامیت‌خواه به معنای ماکیاویستی آن (معین، ۱۳۷۵، ص ۶)، که عبارت از دروغ، خدعه و تلاش برای پیشبرد امور به هر شکل ممکن است، در اندیشه علوی جایگاهی ندارد.

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزه از دغل

نکته دیگر اینکه در الگوی ترسیم‌شده، دو قطب «حکومت» و «مردم» در کنار هم قرار دارند. بنابراین، به موضوع مهم «نظارت» به عنوان فراگردی یک‌سویه نگاه نمی‌شود و در واقع، نقش‌آفرینی این دو قطب به معنای نظارت همزمان مردم و حکومت بر کارگزاران است که به یک نظارت متعامل، قوی و سازنده می‌انجامد.

### الگوپذیری امام خمینی<sup>ع</sup> از مدل نظارتی حضرت علی<sup>ع</sup>

بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، که با بهره‌گیری از آموزه‌های متعالی قرآن کریم و تأسی از سیره حضرت علی<sup>ع</sup> با طاغوت مبارزه کرد و این نظام را بنیان نهاد، همواره بر اهمیت «نظارت» تأکید می‌کرد. ایشان به پی‌روی از آن امام معصوم، که تمام کارگزاران خلافت عثمان را - جز برخی که آن هم بنا به مصالحی برکنار نشدند- عزل کردند، دستور برکناری خادمان طاغوت را صادر کرد: «تمام آنهایی که پیش‌تر در خدمت طاغوت بودند و جرم‌های آنها واضح است و مردم از آنها ناراضی هستند، اینها را انتخاب نکنند و به نارضایتی مردم اضافه نکنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۹۷). این فرمان دقیقاً منطبق با موضوع «نظارت پیش از سپردن مسئولیت» است که ضمن تسهیل «نظارت حین انجام مسئولیت»، تضمینی موقتی برای سلامت بدنه دولت محسوب می‌شود.

امام راحل<sup>ع</sup> در گام دوم و در جهت نظارت پیش از مسئولیت‌سپاری، دقت در انتصاب‌ها را مجدداً تأکید کردند و فرمودند:

اشخاص شرافتمند را در رأس ارتش یا در مواردی که باید به کار بگیرند، به کار گیرند. در انتصاباتشان، خیلی دقت بکنند که انتصابات صحیح باشد؛ چنانچه وظیفه دولت هم همین است. انتصاب استاندارها، انتصاب فرماندارها، همه این انتصابات، انتصاب دادگستری‌ها، تمام این انتصابات باید بررسی بشود (همان).

این جمله امام خمینی<sup>ع</sup> در واقع، تأکیدی بر اهمیت‌گزینش دقیق و در عین حال، منطقی نیروی انسانی و به‌کارگیری افراد شایسته است تا نظام با سرعت بیشتری در مسیر تحقق آرمان‌های خود گام بردارد؛ زیرا انسان‌های فاسد و غیرشایسته در مدیریت انقلابی و اسلامی، فاقد کارایی لازم هستند. البته موضوع نظارت در اندیشه امام<sup>ع</sup> به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه رهبر کبیر انقلاب پس از مسئولیت‌سپاری نیز بر نظارت در امور تأکید می‌ورزید. با تأمل در احکام انتصاب صادره‌شده از سوی ایشان - که برخی را به عنوان شاهد مثال می‌آوریم - می‌توان به طور قطع گفت: که در تمام احکام صادرشده از سوی امام خمینی<sup>ع</sup> بیش از هر چیز، بر نظارت توجه شده است:

## نمونه اول

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ عبدالله جوادی آملی دامت افاضاته بدین وسیله، به جناب عالی مأموریت داده می‌شود که در دادگاه‌های انقلاب اسلامی، که در شهرستان آمل تشکیل می‌شود، شرکت نمایید و متصدی منصب قضاوت شرعیه گردید و در احکام صادره نظارت کامل داشته باشید و در هر حال، احتیاط را مراعات نمایید... (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۶۴).

## نمونه دوم

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای احمدی میانجی دامت افاضاته لازم است جناب عالی مسافرتی به شهرستان میانه بروید و از نزدیک به وضع کمیته‌ها رسیدگی نموده و در اصلاح آنها بکوشید و در مورد زندانیان و پاسداران نیز بررسی‌های لازم را بنمایید و به هر نحو صلاح می‌دانید، سر و سامانی به وضع آنها بدهید. و ضمناً برای اصلاح وضع زندانی‌ها و رسیدگی به کار آنها، جناب عالی به عنوان قاضی شرع منصوب می‌شوید که در تشکیل دادگاه‌ها اقدام نموده و پس از تشکیل دادگاه، در آنها شرکت نمایید و در احکام صادره نظارت کامل داشته و در هر حال، مراعات احتیاط را بکنید... (همان، ص ۳۲۴).

## نمونه سوم

جناب حجة الاسلام آقای لاهوتی - دامت افاضاته - سرپرست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به موجب این حکم، به شما ابلاغ می‌گردد که لازم است در تمام جلسات شورای عالی هماهنگی و تصمیم‌گیری سپاه پاسداران شرکت نموده و نظارت مستقیم داشته باشید و گزارش کار سپاه را هر هفته به اطلاع این جانب برسانید. لازم به تذکر است که بیش از پیش باید به اخلاق اسلامی سپاه توجه شود تا سپاه از هر جهت، مظهر کامل سرباز اسلام باشد... (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۵۴۸).

## نمونه چهارم

خدمت جناب مستطاب سید العلماء الاعلام و حجة الاسلام آقای حاج سید اسدالله مدنی دامت افاضاته با اینکه شهرستان همدان به وجود جناب عالی احتیاج داشت، مع ذلک، با احتیاج مبرمی که شهر تبریز، بلکه آذربایجان به جناب عالی دارد و از طرف جمعی تقاضا شده است، مقتضی است جناب عالی در تبریز، مدتی اقامت فرمایید و به مسائل و مشکلات آنجا رسیدگی فرموده و نظارت در کمیته‌های انقلاب و همین‌طور دادگاه‌های انقلاب فرموده و آنان را ارشاد فرمایید (همان، ج ۱۰، ص ۴۵۱).

تأمل در متن این احکام، از اعتقاد راسخ امام بر ضرورت نظارت حکایت می‌کند. اعتقادی که از تعمق و غور بنیانگذار انقلاب اسلامی در تاریخ سراسر درس حکومت امام علی علیه السلام، مایه گرفته و ایشان را به زیرک‌ترین شخصیت سیاسی و دینی قرن حاضر تبدیل کرده است. علاوه بر احکام انتصابی، امام خمینی علیه السلام همواره در بیانات خود، نظارت الهی بر اعمال انسان‌ها را یادآور می‌شد و این موضوع را به کارگزاران گوشزد می‌کرد. برای مثال، ایشان در یک سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران فرمود: «همه تحت مراقبت هستید. همان‌طور که شما مراقبت می‌کنید از خلاف کارها، تحت مراقبت هستید که مبدا خلاف کاری بکنید» (همان، ج ۸، ص ۳۸۶). ایشان در جای دیگری با اشاره به حقیقت نظارت معصومان بر اعمال افراد فرمود:

حالا ببینید که تحت مراقبت هستید... من می‌ترسم که مایی که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار [امام زمان] هستیم، شیعه این بزرگوار هستیم، اگر نامه اعمال را ببیند - و می‌بیند، تحت مراقبت خداست نعوذ بالله - شرمنده بشود. شما اگر یک فرزندتان خلاف بکند، شما شرمنده‌اید. اگر این نوکر شما خلاف بکند، شما شرمنده‌اید. در جامعه آدم شرمنده می‌شود که پسرش این کار را کرده، یا نوکرش این کار را کرده، یا اتباعش این کار را کرده، من خوف این را دارم که کاری ما بکنیم که امام زمان - سلام الله علیه - پیش خدا شرمنده بشود... (همان، ج ۸، ص ۳۹۲).

حضرت امام با این بیانات، بر اهمیت و ضرورت خودمراقبتی کارگزاران تأکید می‌کرد که لازمه آن پروا پیشگی و مبرا ندانستن نفس از انحراف است؛ زیرا «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» (یوسف: ۵۳). معمار کبیر جمهوری اسلامی همچنین نظارت مردم بر امور را - در کنار نظارت مسئولان بر زیرمجموعه خود - ضروری می‌دانست و عدم تحقق این مهم را مایه تباهی دولت و ملت ارزیابی می‌کرد و فرمود: «ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند، بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد» (همان، ج ۱۵، ص ۱۷).

ایشان همچنین حفظ امنیت را از پیامدهای مثبت و سازنده نظارت مردم بر عملکرد دولت و کارگزاران می‌دانست و اظهار داشت: «مشارکت، نظارت و همگامی آنها [مردم] با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (همان، ج ۴، ص ۲۴۵). به گواهی این جملات، حضرت امام مردم را صاحبان اصلی نظام می‌دانست، به گونه‌ای که بدون نقش آفرینی آنان، دولت و حکومت محکوم به شکست است. بنابراین، نظارت و ایفای نقش مردم تضمین بزرگی برای بقای نظام و در نتیجه، حفظ امنیت در همه ابعاد است.



امام خمینی<sup>ع</sup> ضمن تأکید بر ضرورت نظارت همگانی، این مهم را وظیفهٔ آحاد جامعه می‌دانست و خواستار نظارت همهٔ اجزای مملکت در امور بود و می‌فرمود:

باز همهٔ اجزای مملکت باید نظارت در امور بکنند که نتوانند شیاطین باز رخنه بکنند. در [ادارات] دولتی اشخاصی که رفت و آمد می‌کنند، اینها باید نظارت در کارهای آنها بکنند؛ یعنی مثل سمت بازرسی و تفتیش و این‌طور چیزها که اگر خطایی اینها می‌کنند، تعمدی می‌کنند... خیانتی می‌کنند، به دستگاه قضایی اطلاع بدهند (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۵۲۶).

ایشان در این رابطه، با تأسی به مولای متقیان، که دستور ایجاد «بیت القصاص» را دادند، فرمان تشکیل «هیأت‌های رسیدگی به شکایات مردمی» را صادر کرد و چنین مرقوم داشت:

لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها، هیأت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند، انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا، که به حقوق و اموال آنان سر می‌زند، بدین هیأت‌ها ارجاع نمایند و هیأت‌های مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسئول و پی‌گیری آن، متجاوزین را موافق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند (همان، ج ۱۴، ص ۱۴۲).

این اقدام، گامی اساسی در مسیر نظارت بر کارگزاران به‌شمار می‌آید که علاوه بر تحقق نظارت نسبی، جلوگیری از ظلم را هدف خود قرار داده است.

با توجه به این مطالب، بنیانگذار انقلاب اسلامی، الگوی نظارت امام علی<sup>ع</sup> بر کارگزاران را الگوی مطلوب نظام جمهوری اسلامی می‌دانست و به آن توجه ویژه‌ای داشت. جدول ذیل مقایسه‌ای محدود میان رویکرد و رفتار امام راحل با سیرهٔ امام علی<sup>ع</sup> در زمینهٔ نظارت بر کارگزاران است که تأثیرپذیری ایشان را از الگوی امام علی<sup>ع</sup> را تأیید می‌کند. بنیانگذار جمهوری اسلامی در فراگرد نظارت بر کارگزاران، این الگو را ملاک عمل خویش قرار داده بود.

جدول (۱): مقایسهٔ رویکرد و رفتار امام خمینی<sup>ع</sup> با سیرهٔ حضرت علی<sup>ع</sup> در زمینهٔ نظارت بر کارگزاران

سیرهٔ امام علی <sup>ع</sup>	رفتار امام خمینی <sup>ع</sup>
برکناری کارگزاران حکومت عثمان (جز چند تن)	دستور برکناری خادمان طاغوت در زمان حکومت پهلوی
توصیه به مالک اشتر در زمینهٔ به‌کارگیری افراد لایق	دستور به دولت و فرماندهان ارتش در زمینهٔ به‌کارگیری اشخاص شرافتمند
توصیه به کارگزاران به نظارت بر عملکرد زیر مجموعه خود	توصیه به منصومان در زمینهٔ نظارت در امور محول شده
یادآوری نظارت الهی	یادآوری نظارت الهی و نظارت امام زمان <sup>ع</sup>
تأکید بر نظارت مردم بر عملکرد کارگزاران	- بر شمردن عواقب عدم نظارت مردم بر کارگزاران - اشاره به اثر سازندهٔ نظارت مردم بر کارگزاران - تأکید بر اهمیت نظارت همگانی به عنوان وظیفهٔ آحاد مردم
تشکیل «بیت القصاص»	صدور فرمان تشکیل «هیأت‌های رسیدگی به شکایات مردمی»

البته تأثیرپذیری امام خمینی<sup>ع</sup> از الگوی امام علی<sup>ع</sup> در زمینه یادشده، تنها به این جدول محدود نمی‌شود و مصادیق این تأثیرپذیری بیش از نکات یادشده است، ولی طرح همه آنها از حوصله این نوشتار، خارج است.

## نتیجه‌گیری

۱. فراگرد نظارت امام علی<sup>ع</sup> بر کارگزاران بر اساس زمان انجام آن، مشتمل بر دو سرفصل اصلی «قبل از مسئولیت‌سپاری» و «در حال انجام مسئولیت» است که در سرفصل اخیر، چهار جزء «نظارت‌های غیرمحسوس»، «نظارت مستقیم و آشکار»، «مطالبه گزارش عملکرد» و «بررسی گزارش‌های مردمی» است. این فراگرد را می‌توان در قالب یک الگو بررسی کرد که این الگو با توجه به بازه‌های زمانی تعریف‌شده، دارای اجزای گوناگونی است.
۲. الگوی نظارت امام علی<sup>ع</sup>، یک الگوی دوقطبی شامل «حکومت» و «مردم» است که در آن، علاوه بر نظارت عالی مسئولان بر عملکرد زیرمجموعه خود، نظارت همگانی و مردمی، نقش مهمی ایفا می‌کند.
۳. رهبر کبیر انقلاب اسلامی با نظر به ضرورت الگوگیری از سیره حکومتی و مدیریتی امام علی<sup>ع</sup>، الگوی نظارت آن حضرت بر کارگزاران را ملاک عمل خود برای نظارت بر کارگزاران جمهوری اسلامی ایران قرار داد و از آن به میزان قابل توجهی تأثیر پذیرفت. این تأثیرپذیری تنها به اجزای الگو و روش‌های آن محدود نبود، بلکه امام خمینی<sup>ع</sup> بایسته‌های الگوی نظارت امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> از جمله اخلاق‌مداری، جلب نظر کارگزاران به تقوای الهی و رشددهندگی و تعالی‌بخشی را به طور ویژه، مدنظر و مورد عمل قرار داد.
۴. در اندیشه حضرت امام، کامل بودن فراگرد نظارت بر کارگزاران، نیازمند مشارکت مردم و حکومت است فراگرد نظارت بر کارگزاران در نظام جمهوری اسلامی به تأسی از الگوی نظارت امام علی<sup>ع</sup> شامل دو قطب حکومت و مردم است.

## منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ترجمه محمد دشتی، چ نوزدهم، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- ابن ابی الحدید و همکاران، ۱۳۴۱، شرح نهج البلاغه، تصحیح، محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن اعثم کوفی، و همکاران، ۱۹۹۱م، الفتح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
- ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی، ۱۴۱۸ق، تذکرة الخواص من الأمة فی ذکر خصائص الأئمة، قم، الشریف الرضی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۸، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه، مهدی سازندگی، قم، نوید اسلام.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۹۶م، انساب الاشراف تحقیق، سهیل ذکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
- بهشتی، احمد، ۱۳۸۸، «اندیشه‌های سیاسی، تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه»، قم، بوستان کتاب.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۰، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دینوری، احمد بن داوود، ۱۳۶۸، اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ق، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- عطاردی، عزیزالله، ۱۴۰۶ق، مسند الإمام الرضا، مشهد، آستان قدس رضوی.
- کازمایر، لئونارد، ۱۳۶۸، اصول مدیریت، ترجمه، اصغر زمردیان و آرمن مهرورژان، چ سوم، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- محمدری شهری، محمد، ۱۳۸۶، منتخب میزان الحکمه، چ ششم، قم، دارالحديث.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی، چ دهم، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۱، پیام امام امیرالمؤمنین، چ هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۱، صحیفه امام، چ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی، سیدصادق، ۱۳۷۶، تمام نهج البلاغه، مصححان محمد عساف و همکاران، مشهد، مؤسسه امام صاحب الزمان.
- مولوی، جلال‌الدین، ۱۳۸۹، مثنوی معنوی، تهران، خانه هنرمندان.
- هرسی، پال/ بلانچارد کنث، ۱۳۷۱، «مدیریت رفتار سازمانی»، مترجم، قاسم کبیری، تهران، مؤسسه ماجد.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۷۹، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارالمسیره.